



پژوهشنامه فلسفه دین

سال بیستم، شماره اول (پیاپی ۳۹)، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص. ۱۹۵-۲۰۲.
مقاله کوتاه (DOI: 10.30497/PRR.2022.76230)

نسبت دین‌شناسی رضا بابایی با الهیات عملی

عباسعلی منصور^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵

چکیده

رضا بابایی از دین‌پژوهان معاصر است که بیشترین التفات را به الهیات عملی دارد، به نحوی که می‌توان رویکرد الهیاتی او را الهیات عملی دانست. او دغدغه رنج و درد انسان را دارد و مسیر درست دین‌شناسی را حرکت از انسان و جامعه به سوی دین می‌داند و تصریح دارد که بقا و زوال ادیان در گرو حقانیت یا عدم حقانیت نیست، بلکه به توانایی ادیان در پاسخگویی به نیازهای خاص انسان برمی‌گردد. در آثار او جهت‌گیری‌های کلانی وجود دارد که می‌توان آنها را مؤلفه‌های الهیات عملی در دین‌پژوهی رضا بابایی نامید، که از آن جمله است: تأکید بر لزوم التفات الهیات به نیازهای انسان، دردمندی و غم درد و رنج انسان داشتن، التفات جدی به معرفت‌های برون‌متنی، اولویت دادن به قرائت عرفانی-اخلاقی از دین، و جزم‌گزینی و پرهیز از قرائت‌های انحصارگرایانه. در متن مقاله سعی شده است که شواهد دال بر وجود این مؤلفه‌ها در آثار او به تفصیل بررسی شود.

کلیدواژه‌ها

الهیات عملی، رضا بابایی، دین و رنج انسان، دین و نیاز انسان، روشنفکری دینی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار گروه الهیات (فلسفه و حکمت اسلامی)، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

(a.mansouri@razi.ac.ir)



The Relationship between Reza Babaei's Theology and Practical Theology

Abbasali Mansouri¹

Reception Date: 2022/02/24

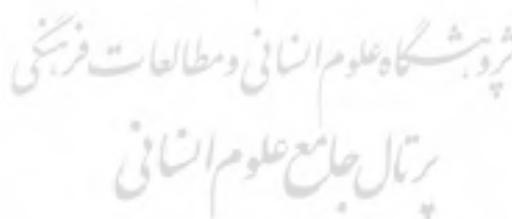
Acceptance Date: 2022/05/05

Abstract

Reza Babaei is one of the contemporary Iranian theologians who pays a lot of attention to practical theology so that his theological approach may be considered practical theology. Human suffering is his concern. He believes that the proper path of theology is to move from man and society to religion and asserts that the survival and decline of religions do not depend on their legitimacy or illegitimacy, but on their ability to meet specific human needs. There are major elements in his works that may be acknowledged as components of practical theology: emphasis on paying attention in theology to human needs, sympathy for the pain and sorrow of human suffering, focus on extra-textual knowledge, the priority of the mystical-moral readings of religion over dogmatic and exclusivist ones. In this article, the evidence for the existence of each of these components in his works has been explored.

Keywords

Practical Theology, Reza Babaei, Religion and Human Suffering, Religion and Human Needs, Religious Intellectuals



1. Assistant Professor, Theology Department, Razi University, Kermanshah, Iran.
(a.mansouri@razi.ac.ir)

۱. مقدمه

رضا بابایی از دین‌پژوهان معاصری است که صرفاً یک پژوهشگر دانشگاهی نیست، بلکه دغدغه رنج و درد انسان را دارد و دینداری را ظهور دین در عرصه عمل و کاهش رنج‌ها می‌بیند. همین نکته است که دین‌شناسی او را با الهیات عملی پیوند می‌دهد؛ چه آن که هم به رویکرد کارکردگرایانه التفات دارد، هم غایت اکثر پژوهش‌های او در حوزه الهیات این است که گرهی از مشکلات انسان بگشاید. آنچه رویکرد بابایی را شایسته مطالعه می‌کند این است که او یک کنشگر اجتماعی نیست که به حوزه دین التفات دارد، بلکه دین‌پژوهی است که نوشته‌هایش در حوزه دین از روح علمی برخوردار است، به نحوی که نوشته‌هایش مورد توجه دین‌پژوهان قرار گرفته است. در ادامه مؤلفه‌های الهیات عملی در دین‌پژوهی رضا بابایی احصا می‌گردد.

۲. تأکید بر لزوم التفات الهیات به نیازهای انسان

برخی معتقدند که خاستگاه الهیات عملی تلاشی در راستای التفات به نیازهای انسان و واکنشی به روند سکولاریزاسیون بود (بابایی ۱۳۹۰، ۱۱۰). بنابراین الهیات عملی به انسان و نیاز او توجه جدی دارد. این رویکرد در مکتوبات بابایی چنان نمود دارد که اگر کسی مدعی شود که بابایی در زمره دین‌پژوهانی است که دین را برای انسان می‌داند، به بیراهه نرفته است. در کتاب *دیانت و عقلانیت* بر این رویکرد این گونه تصریح می‌کند که اساساً دین هنگامی به معنای واقعی کلمه دین است که باری از دوش انسان بردارد، نه آن که مردم را گرانبار کند و مسئله‌ای بر مسائل لاینحل بشری بیفزاید (بابایی ۱۳۹۷، ۱۴۱). مسئله نسبت دین و رفع نیازهای انسان در نظام دین‌شناسی بابایی چنان جایگاهی دارد که در یادداشتی^۱ با عنوان «عمل و محل اجتهاد» تأکید می‌کند که آنچه مجتهدان سنتی را از روشنفکران دینی جدا می‌کند سنخ و نوع نیازهایی است که ایشان مهم می‌دانند. اگر روشنفکران دینی در مسائلی همچون کمّ و کیف حجاب، جزا، قصاص، ارث زنان و... سخنانی متفاوت گفته‌اند، مجتهدان سنتی نیز در مسائلی همچون نماز جمعه و اعتکاف احکام جدید آورده‌اند. در آثار بابایی تصریحات فراوانی در تأیید این رویکرد وجود دارد که نشان از توجه آگاهانه او به این رویکرد دارد. در یادداشت «دین و دینداری در جهان معاصر» تصریح می‌کند که در دین‌شناسی دو مسیر وجود دارد: مسیر نخست حرکت از دین به سوی انسان و جامعه است و مسیر دوم از انسان و جامعه به سوی دین. در مسیر اول ما در متون دینی و ادبیات و تاریخ دین گشت‌وگذار می‌کنیم و متناسب با ماهیت

فرهنگی و زاویه دید خود، سرشار از باورها، فتاوا، اولویت‌ها، حساسیت‌ها و دغدغه‌هایی خاص می‌شویم و سپس آنها را به انسان و جامعه عرضه و گاه دیکته می‌کنیم. این مسیر راهی است که دین‌شناسی سنتی حوزوی و الزهیری تا کنون پیموده است. راه و روش دوم این است که نخست یا همزمان در انسان و رنج‌های او بنگریم و کاستی‌های دردآور جامعه را ببینیم و سپس به سراغ دین برویم تا برای آن دردها و رنج‌ها درمانی بیابیم. این مسیر می‌کوشد که باری از دوش انسان بردارد و گرهی از کار فروبسته او بگشاید. این دو مسیر دو گونه دستگاه الهیاتی و دو گونه نظام عقیدتی با اولویت‌ها و حساسیت‌های خاص خود پدید می‌آورد. او در یادداشت «خیال خام» تأکید می‌کند که علت بقا و فساد ادیان را نباید در درست یا باطل بودن ادیان جستجو نمود، بلکه باید ریشه آن را در نیاز انسان به دین و توانایی یا ناتوانی دین در پاسخ به این نیازها دانست. در یادداشت «ادیان ماندگار» همین نکته را این گونه مطرح می‌کند: «دین‌ها برای ماندگاری نیازی به حقیقت ندارند و هیچ دین و مذهبی به دلیل باطل بودن از صفحه روزگار محو نمی‌شود؛ و گرنه باید یکی از آنها می‌ماند و بقیه اندک‌اندک به موزه‌ها می‌رفتند. بقای هر دین و آیینی به مجموعه‌ای از امکانات و توانایی آن در پاسخگویی به برخی نیازهای خاص فردی و اجتماعی است». بابایی حتی شرط بقای آیین‌ها و مناسک را پاسخگویی به نیازهای انسان می‌داند و در یادداشت «راهپیمایی اربعین چرا و چگونه» این مدعا را به تفصیل توضیح می‌دهد.

توجه ویژه بابایی به بعد اخلاقی و معنوی دین و مهم‌تر دانستن آن نسبت به مناسک و باورها، ریشه در همین نگاه به نسبت دین و نیاز انسان دارد. در یادداشت «از خرمای ایمان تا خرمن باورها» می‌نویسد:

روایتی به این مضمون وجود دارد که خدا به داوود نبی می‌گوید کسی که در دنیا مشکل بنده‌ای از بندگان من را حل کند، در قیامت وارد بهشت می‌شود؛ اگرچه مشکل‌گشایی او در حد انفاق نیمی از دانه خرما باشد (صدوق ۱۳۷۲، ۱: ۶۲۹). از این دست روایات در متون دینی ما به قدری است که از «تواتر معنوی» هم گذشته است. اما در مقابل، روایاتی هم هست که فلان باور را درباره مقام فلان شخص شرط رستگاری و نجات از دوزخ می‌شمارند. اگر برخی روایات به آسانی آب خوردن مردم را بهشتی می‌کنند، روایاتی هم وجود دارد که به همان آسانی درهای دوزخ را می‌گشایند. در متون نخستین ادیان، از جمله در قرآن و روایات معتبر اسلامی، اخلاق مهم‌ترین بخش دین است و ضامن سعادت و نجات انسان. اما آنچه در تاریخ مسلمانان رخ داده است غلبه عقاید ریز و درشت بر اخلاقیات و حتی معنویت است. درباره آن بخش از متون دینی که رستگاری را به باورهای فراوان و فرعی و بسیار جزئی مشروط کرده‌اند، همین قدر بگویم که اولاً آن بخش در قیاس

با بخش دیگر کمّ و کیف نازلی دارد و ثانیاً در قرآن و روایات معتبر نبوی خبری از آن نیست و ثالثاً مشکل اصلی در فهم آن ناآشنایی با تاریخ عقاید اسلامی و رتوریک متون کهن است.

۳. دردمندی و غم درد و رنج انسان داشتن

درد و رنج انسان‌ها برای بابایی چنان اولویتی دارد که می‌توان گفت روح حاکم بر نوشته‌های او «دردمندی» است. به همین جهت است که وی صرفاً یک پژوهشگر دینی نیست، بلکه کنشگر اجتماعی نیز هست و نسبت به ساحت سیاست حساس است. از همین زاویه است که یکی از نقدهای جدی بابایی بر فقه سنتی عدم توجه فقها به رنج‌های انسان است (بابایی ۱۳۹۷، ۸۹). شواهد دال بر دردمندی رضا بابایی در مطالعات دین‌پژوهانه او بسیار زیاد است. در یادداشت «معجزه ماشین لباسشویی» می‌نویسد:

من و امثال من دغدغه غرب نداریم، چنان که نمی‌توان گفت اگر کسی از اسلام دفاع کرد، دغدغه عرب‌ها را دارد. سخن در دستاوردها است. همه حرف ما این است که رنج و درد در ذات این دنیا است؛ بر رنج‌ها نیفزاییم، گره‌ها را سخت‌تر نکنیم، راه‌ها را نبندیم.

کسی که رویکرد الهیات عملی دارد بیشتر از این که دغدغه آرمان‌ها را داشته باشد، نسبت به رنج‌های بالفعل حساسیت دارد. رضا بابایی نیز همین رویکرد را دارد به گونه‌ای که گفتگو کردن با کسانی که رنج بالفعل انسان‌ها را نمی‌بینند، بی‌فایده می‌داند و در یادداشت «هفت هفت» می‌نویسد:

اگر یقین دارید که در این دنیا صد هزار سال عمر می‌کنید و برای این عمر دراز هیچ برنامه‌ای ندارید، با کسانی که رنج انسان‌های نزدیک و پیرامونشان را نمی‌فهمند، بحث سیاسی یا عقیدتی کنید. کسی که از رنج انسان‌های ندیده و دوردست سخن می‌گوید اما رنجوری انسان‌های پیرامونش را نمی‌بیند، یا بیمار است یا سیاست‌مدار.

در همین راستا یکی از اشتباهات بزرگ نسل خود را غفلت از رنج‌ها و جفاهای کوچک می‌داند و در یادداشت «اشتباه بزرگ» می‌نویسد:

اشتباه بزرگ ما این بود که خطاها و جفاهای ریز را ندیدیم؛ چون دل به مصلحتی بزرگ و آسمان‌وش داده بودیم. غافل از آن که خطا هر قدر هم که ریز و کوچک باشد، سکوت و بی‌عملی در برابر آن خطایی بزرگ است. آن سکوت‌ها و چشم‌بستن‌ها و مصلحت‌پرستی‌ها عادت شد و پس از آن دیگر چشم ما هیچ خطایی را ندید.

۴. التفات جدی به معرفت‌های برون‌متنی

کسانی که رویکرد آنها به رویکرد الهیات عملی نزدیک است، هم دغدغه کاستن از رنج‌های مردم را دارند و هم برای آنها مهم است که دین در متن زندگی مردم نمود داشته باشد. این دغدغه‌ها سبب می‌شود که به تدریج برای منابع غیرمتنی حجیت بیشتری قائل شوند. زیرا می‌دانند که رسیدن به این دو مقصود جز از راه اعتبار بخشیدن به این منابع معرفتی ممکن نیست. بنابراین الهیات عملی به مطالعات درون‌دینی و نص‌محور اکتفا نمی‌کند و همچنان که دیگران نیز اشاره نموده‌اند، جایگاه مطالعات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در الهیات عملی بسیار حیاتی و سازنده است (بابایی ۱۳۹۱، ۱۰۴). بابایی از الهیات دانانی است که به منابع برون‌دینی التفات جدی دارد. هم اتخاذ مسیر روشنفکری در دین‌پژوهی خود مبین این مطلب است و هم خود او به کرات بر این امر تصریح کرده است. در یادداشت «معمای مخاطب در متون دینی» می‌نویسد:

اصلاح باورهای دینی جز از راه تغییر جایگاه متن در دین‌شناسی ممکن نیست. تا آنگاه که الفاظ و عبارات یگانه منبع شناخت دین است، روزآمدسازی دین در حد امور جزئی و پس از طی زمان‌های طولانی و تحمل هزینه‌های سنگین است. دین‌شناسی متن‌محور مقتضی دین‌داری ظاهرگرا است و این نوع دین‌داری بیش از آن که گره‌گشا باشد، خود کلافی سردرگم است.

۵. اولویت قرائت عرفانی-اخلاقی بر قرائت فقهی-مناسکی از دین

از آنجایی که الهیات عملی هم دغدغه کاستن از رنج انسان را دارد و هم در صدد است که دین را از ساحت ذهن به ساحت زندگی عینی منتقل کند، بنابراین خواهان قرائتی از دین است که از یک طرف بار کمتری بر دوش انسان بگذارد و از طرف دیگر بیشترین کمک را در رسیدن به یک زندگی اخلاقی و معنوی داشته باشد. به همین جهت است که رضا بابایی به رویکرد عرفانی-اخلاقی التفات جدی دارد و بیشترین نقد را بر قرائت ظاهرگرایانه از دین دارد. در مقاله «آسیب‌شناسی معنویت» تصریح می‌کند که «تورم بی‌روح و ازدیاد بی‌مبنای مناسک به معنویت‌گرایی روحمند آسیب می‌زند و نتیجه عکس می‌دهد» (بابایی ۱۳۸۷، ۱۱۸). در یادداشت «ظاهرگرایی تا کجا» می‌نویسد:

بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین دشمن دین و دموکراسی و هر مفهوم و محتوایی که ربطی به زندگی انسان بر روی کره خاکی دارد، ظاهرگرایی و اصرار بر فرم یکسان است. ظاهرگرایی یا صورت‌پرستی، غلبه قالب بر محتواست. صورت‌گرایی، دین را که درون‌مایه آن ایمان و

حوادث قلبی است، به مشتی احکام ظاهری و اعمال جوارحی فرومی‌کاهد. چندان که گویی قالب و فرم همان محتواست.

در یادداشت «فقه، تصوف و روشنفکری دینی» می‌نویسد:

اگر بتوان برای روشنفکری دینی، تباری شناسنامه‌دار در تاریخ مسلمانان یافت، به گمان من عرفان و تصوف است. شریعتی می‌گوید مثنوی سه بار من را از خودکشی نجات داد. سروش بدون مولانا چنین نام‌آور نمی‌شد. اگر عطار و سنایی و مولوی و محی‌الدین را از روشنفکران دینی بگیرند، گویی جوانکی بی‌پناه را در سنگستان تنهایی رها کرده‌اند. دلدادگی روشنفکری دینی به عرفان و تصوف بیشتر از وام او به فلسفه‌های جدید نیست؛ اما اگر فلسفه و کلام، کالبد روشنفکری دینی است، تصوف و عرفان روح آن است.

در راستای همین فهم عرفانی از دین است که «متن‌محوری و نص‌گرایی» را بارها نقد می‌کند و آن را خاستگاه سلفی‌گری قدیم و مدرن می‌داند (بابایی ۱۳۹۷، ۲۳). در یادداشت «معمای مخاطب در متون دینی» تصریح می‌کند که «دین‌شناسی متن‌محور» مقتضی دین‌داری ظاهرگرا است و این نوع دین‌داری بیش از آن که گره‌گشا باشد خود کلافی سردرگم است و تأکید می‌کند که اصلاح باورهای دینی جز از راه تغییر جایگاه متن در دین‌شناسی ممکن نیست. با همین مبنا و رویکرد است که بر دین سیاسی خُرده می‌گیرد و تأکید می‌کند که دین مسئولیت‌هایی ژرف‌تر و مهم‌تر از حکومت و سیاست دارد (بابایی ۱۳۹۷، ۲۶۵).

۶. جزم‌گریزی و تأکید بر مدارا و پرهیز از قرائت‌های انحصارگرایانه

کسی که رویکرد الهیات عملی داشته باشد، اگر در مقام نظر کثرت‌گرا نباشد، حداقل در مقام عمل اهل مدارا خواهد بود. در نوشته‌های بابایی نقد تعصب بسامد فراوان دارد. از جمله در یادداشت «تابوی تغییر در تابوت سرنوشت» در اهمیت تغییر می‌نویسد:

تغییر، عادت‌های ما را برمی‌آشوبد، حال و هوای ما را عوض می‌کند، چشم‌اندازی دیگر پیش روی ما می‌گذارد، گذشته را کالبدشکافی می‌کند، بر گلیم آینده نقشی دیگر می‌زند و از همه مهم‌تر، به تازه‌نفس‌ها میدان می‌دهد. تغییر، سخت است؛ سخت‌تر از جراحی قلب یا مغز؛ اما گاهی از آن‌گزیری نیست. تغییر را باید پذیرفت؛ از تغییر نترسیم.

بابایی به قرائت‌های کثرت‌گرایانه و روادارانه التفات جدی دارد. در یادداشت «غدیر و مسئله ما» بر این نکته تأکید می‌کند. همچنین در یادداشت «سخنی با برادران و خواهران حوزوی‌ام» می‌نویسد:

گره زدن سرنوشت اخروی و حقوق میلیون‌ها هم‌وطن و صدها میلیون مسلمان در جهان به ماجرای سقیفه و کربلا و هر گوشه‌ای دیگر از تاریخ، غیر از آن که هیچ مبنای علمی و عقلی و تاریخی ندارد، شکاف‌ها را بیشتر می‌کند و این شکاف‌ها لانه فساد و نزاع و ناامنی و ناآرامی و شکست‌های پی‌درپی در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و گفتمانی خواهد شد.

تأکید بابایی بر مدرا صرفاً برخاسته از منش یا نگاه مصلحت‌سنجانه او نیست، بلکه برآمده از نوع نگاه دین‌پژوهانه اوست. برای مثال، او با مطرح کردن بحث جنبه‌های بشری و تاریخی دین تأکید می‌کند که عالمان عمیق تسامح بیشتری دارند. اصل سخن وی در یادداشت «دین عمومی و اتوریته عامه» چنین است:

جز چند پیام کوتاه و کلی و چند برنامه عبادی ساده، دیگر اجزاء و باورهای منسوب به دین مخلوطی از تاریخ دین و تأملات بشری و فرهنگ زمانه و اجتهاد عالمان و ظنون است. دین در بهترین حالت پدیده‌ای الهی-بشری یا به گمان من بشری-الهی است. دین آسمانی، به این معنا که از صدر تا ذیل آن نسبتی روشن با آسمان و خدا داشته باشد، وجود خارجی ندارد. از همین رو است که عالمان عمیق و متقی، تسامح و تواضع بیشتری دارند و کمتر دیگران را به نادانی یا دشمنی متهم می‌کنند.

کتاب‌نامه

- بابایی، حبیب‌الله. ۱۳۹۰. «درآمدی بر الهیات عملی در اندیشه دینی مدرن». نقد و نظر ۶۱: ۱۰۹-۱۳۵.
- بابایی، حبیب‌الله. ۱۳۹۱. «درآمدی بر الهیات عملی و وظایف آن». آینه پژوهش ۱۳۴: ۱۰۱-۱۰۷.
- بابایی، رضا. ۱۳۸۷. «آسیب‌شناسی معنویت». حصون ۱۶: ۱۱۴-۱۲۶.
- بابایی، رضا. ۱۳۹۷. دیانت و عقلانیت. اصفهان: آرما.
- بابایی، رضا. بی‌تا. یادداشت‌ها. کانال تلگرامی رضا بابایی، به آدرس t.me/rezababaei43.
- شیخ صدوق. ۱۳۷۲. عمیون اخبار الرضا. ترجمه علی اکبر غفاری. تهران: صدوق.

یادداشت‌ها

۱. یادداشت‌هایی که در متن نقل شده‌اند همگی برگرفته از کانال تلگرامی رضا بابایی با عنوان «یادداشت‌ها» است.